

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران؛ میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴۰ و ۸۸۹۳۶۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

روزنامه شتر

چهارشنبه ۱۱ تیر ۱۴۰۴ • ۶ محرم ۱۴۴۷ • ۲ جولای ۲۰۲۵ • سال بیست‌ویکم • شماره ۵۱۴۷ • ۱۲ صفحه • اذان ظهرتهران ۱۲:۰۸ • اذان مغرب ۱۹:۴۵ • اذان صبح فردا ۲۰:۰۷ • طلوع آفتاب ۴:۵۳

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

نغمه‌هایی برای ایران؛ از جبهه تا میدان آزادی

گفت‌وگو با نصیر حیدریان، رهبر ارکستر سمفونیک تهران

سما باایی

نفری آزادی بگذریم که عده‌ای، سازهای نوازنده‌ها را شکستند و آنان را مورد ضرب‌وشتم قرار دادند تا چاره‌ای جز فرار برایشان باقی نماند. اما یکی از تجربه‌های عجیب ارکستر، اجرای موسیقی در میدان توپخانه بود. ساعت شش صبح، وسط زمستان و در حالی که برف می‌بارید، جلوی پست‌خانه برای نوازنده‌ها صندلی چیدند تا سرودهای انقلابی بنوازند. رهگزاران با تعجب نگاهشان می‌کردند و برخی هم درخواست آهنگ‌هایی از خواننده‌های قدیمی را داشتند. بعد از آن اجرا، خیلی سازها خراب شد و تعدادی از نوازنده‌ها هم بیمار شدند تا رسید به اجرا در تیمارستان امین‌آباد. در این اجرا، روی حوض حیاط تیمارستان تخته گذاشتند و صندلی‌ها، پوییت‌ها و سازها در آنجا چیده شد. در میانه اجرا، با آغاز قطعه‌ای پرشور، ولوله‌ای در میان بیماران افتاد. یکی از بیماران، با شنلی روی دوش، آرام از جای خود بلند شد و به سوی ارکستر آمد و شروع به تقلید حرکات رهبر کرد تا اینکه رفتارش شبیه رقص شد و بعد از چند لحظه، تمام بیماران شروع به رقصیدن کردند. انتظامی تعریف می‌کند مدتی بعد، رئیس اسپایشگاه نامه‌ای محبت‌آمیز به ارکستر فرستاد و در آن نوشت که آن اجرا بر روحیه بیماران تأثیر گذاشته که حتی یک هفته بعد، در راهروها و پله‌ها هنوز ادای رهبر ارکستر را درمی‌آوردند و حالشان بهتر است.

ارکستر سمفونیک تهران در جبهه‌ها

اینها اما تنها تجربه‌ای نیست که ارکستر سمفونیک تهران جز تالار باش‌کوه وحدت دست به اجرای برنامه می‌زند. در آن جنگ هشت‌ساله هم نوازندگان ارکستر، لباس رزم پوشیدند و راهی جبهه شدند؛ آن‌هم نه یک بار بلکه چندین و چند بار. جنگ که شد، اعضای ارکستر نامه‌ای به وزارتتی که آن زمان «فرهنگ» بود و بعدها «فرهنگ و ارشاد اسلامی» نام گرفت، نوشتند و گفتند آماده‌اند تا در مراسم مردمی و دولتی حضور پیدا کنند. چند باری هم در جاهای مختلف (که شرح آن رفت) به اجرای برنامه پرداختند تا سرانجام اردیبهشت ۱۳۶۵، ارکستر سمفونیک تهران با حدود صد نوازنده، خواننده و حتی گروه کر که همگی‌شان لباس‌هایی خاکی شبیه همان رزمندگان پوشیده بودند، با اتوبوس و تجهیزات کامل، به خط مقدم رفت تا با رهبری «نادر مرتضی‌پور» برای رزمندگان برنامه اجرا کنند.

این‌اتفاق برای «هفده» بار دیگر ادامه یافت؛ اگرچه در سفرهای بعدی سازهای زهی کمتر شد و بیشتر سازهای بادی به رهبری «ابراهیم نظری» به اجرای قطعات حماسی، سرودها و حتی آثار کلاسیک ایرانی و غربی پرداختند. ازجمله قطعات اجراشده در آن سال‌ها، «الله‌اکبر،

هشت سال دیگر ارکستر سمفونیک تهران صدساله می‌شود؛ ارکستری که قدیمی‌ترین ارکستر خاورمیانه است و البته در این قریب به یک قرن، فرازونشیب‌های بسیاری را گذرانده است؛ از اجرای مشترک با برترین سولیست‌های جهان گرفته تا رهبری بسیاری از بزرگ‌ترین چهره‌های دنیا و در کنارش روزهای خاموشی و فترت. این ارکستر اما در طول حیات خویش، در چند بزنگاه تاریخی حضور داشته است که نمونه‌اش را در همین جنگ ۱۲روزه که نتانیاهوی منحوس بر وطن تحمیل کرد، می‌توان مشاهده کرد. در آخرین روزهای جنگ، در همان وقتی که تهران زیر موشک‌ها و پهپادهای دشمن بود و هرکس می‌توانست و می‌خواست از تهران «کوچ» کرده بود، «نصیر حیدریان» و تعدادی از نوازندگان مقابل برج آزادی تهران دور هم جمع شدند و از ایران خواندند و برای ایران نواختند.

چه مملکت خوبی داریم که برای نوازندگی هم پول می‌دهد

بایید از آغاز شروع کنیم. انقلاب که شد، ۸۰ درصد نوازندگان ارکستر سمفونیک تهران که بیشتر آنها خارجی بودند، به کشورهایشان برگشتند و ارکستر ماند با ۲۰ نوازنده جوان ایرانی که مجید انتظامی، ارسلان کامکار، بیزن قادری و نادر مرتضی‌پور نیز جزء آنها بودند. برای برخی سشن‌ها (گروه‌های مختلف نوازندگان) مثل بادی‌ها، زهی‌ها، کوبه‌ای‌ها و...، حتی یک نوازنده هم باقی نماند، اما آنان که ماندند، کارمند رسمی ارشاد بودند و مدت‌ها بی‌کاری شدند تا سرانجام پیش آیت‌الله بهشتی رفتند و از او خواستند تا فتوایی بدهد که موسیقی حلال است. شهید با لبخنه به آنان جواب داد: «مگر برای بتهوون یا موتزارت کسی فتوا گرفت که شما بگریزد؟ اگر کارتان حق است، بایستید و ادامه دهید، اگر نیست، هیچ». این حرف برای آنان انگیزه‌ای برای ادامه فعالیت شد. اول سرودهای انقلابی معروف آن روزها را نواختند. «حشمت سنجری» که آمد، دوباره نوای بتهوون و باخ طنین‌انداز شد؛ اما هیچ چیز مثل سابق نبود و به قول «انتظامی» تماشاگران نمی‌دانستند پس از پایان قطعه چطور واکنش نشان دهند؛ عده‌ای دست می‌زدند، عده‌ای صلوات می‌فرستادند. کار به اجراهای دولتی هم رسید. در یکی از این برنامه‌ها که در هتل محل برگزاری یک کنفرانس بود، روحانی‌ای جلو آمد و با تعجب پرسید: «این‌ها شغل‌شان سازدن است؟ بابتش پول هم می‌گیرند؟» و وقتی شنید همه کارمند رسمی هستند، گفت: «چه مملکت خوبی داریم که برای این چیزها هم پول می‌دهیم».

اجرا در ساعت ۶ صبح میدان توپخانه و تیمارستان امین‌آباد

ارکستر یک بار هم به مجلس شورای اسلامی دعوت شد و سرود ملی را نواخت؛ اتفاقی که در این سال‌ها بارها تکرار شده است. اما همیشه همه چیز آسان نمی‌گذشت؛ مثلاً نمی‌توانیم از اجرا در استادیوم ۱۲ هزار

گفت‌وگو با سروش انتظامی آهنگ‌ساز سریال «تاسیان»

از والس سرخوش تا نغمه‌های اندوه

در خانه ما از بچگی فقط موسیقی فیلم پخش می‌شد

تاسیان و فیلم کم‌دی صدام نشان می‌دهد که او در ابتدای مسیرش دنبال کشف تجربه‌های تازه است. با سروش انتظامی درباره حال و هوای ساخت موسیقی سریال تاسیان که روایتگر داستانی عاشقانه در اواخر دهه ۵۰ شمسی است، گفت‌وگو کرده‌ام. او در این گفت‌وگو از رمز و رازهای ساخت موسیقی برای هرکدام از شخصیت‌های این سریال می‌گوید.

داستان سریال، سازبندی را هم تغییراتی بدهم.
❌ آیا برای شخصیت‌های اصلی سریال مثل شبرین، امیر، سعید، جمشید و... تم جداگانه طراحی کردید؟
برای نقش سعید (با بازی صابر ابن) تم خاص خودش را داریم که با ترومپت و ساکسیفون اجرا شده است؛ چون حس قدرت و شک و تردید و فضای مافیایی را القا می‌کند. برای امیر (هوتن شکبیا) و در واقع زوج عاشقانه سریال، یک ملودی عاشقانه داریم که در طول سریال با تنظیم‌های مختلف و سازهای مختلف -از آکاردئون تا فلوت- شنیده می‌شود. برای مهران مدیری هم تم مخصوص به خودش وجود دارد.
❌ دنبال‌کنندگان موسیقی حتما می‌دانند که ساز تخصصی شما و پدرتان «ابوا» است. استفاده از این ساز در کار شما چه جایگاهی دارد؟
بله، ابوا هم ساز تخصصی من است، هم پدرم و به نوعی میراث‌دار او بوده‌ام و از بچگی با این ساز بزرگ شدم.م.هرجایی موسیقی جا بدهد، از این ساز و صدای آسمانی‌اش استفاده می‌کنم. راستش را بخواهید -خوشبختانه یا متأسفانه و البته برای من متأسفانه-

سعبیده نیک‌اختر: سروش انتظامی فرزند خلف استاد مجید انتظامی و نوه استاد عزت‌الله انتظامی است. او این روزها با پخش سریال «تاسیان» از فیلمبو و اکران فیلم سینمایی «صدام» روزهای پرکاری را می‌گذراند. سروش ۳۸ ساله که حدود یک دهه در اتریش، موسیقی خوانده، پیش از این برای چند مستند بلند و کوتاه مانند «اشرف، هزاد شاه» موسیقی ساخته است. تبحر او در ساخت موسیقی برای سریال عاشقانه

❌ چطور با پروژه «تاسیان» آشنا شدید؟
من اصلاً نمی‌دانستم تاسیان چیست. وازه‌اش را هم نشنیده بودم. جلسه اولی که رفتم سر صحنه فیلم‌برداری، تازه به من توضیح دادند که تاسیان یعنی چه. بعد قسمت‌هایی از سریال را که ضبط شده بود دیدم و واقعا تحت تأثیر قرار گرفتم. همان موقع دهنم شروع کرد به کارکردن که چه چیزی می‌توانم بسازم که ثمربخش باشد.
❌ روند همکاری‌تان با تیتا پاکروان و علی اسدزاده چگونه شکل گرفت؟
ما با تهیه‌کننده و کارگردان خیلی جلسه داشتیم. خیلی ترک (قطعه) موسیقی برای هم می‌فرستادیم، حرف می‌زدیم، ایده ردودبل می‌کردیم. خانم پاکروان هم خیلی مشخص گفت که از موسیقی این سریال دنبال چه حسی است.
❌ در طراحی فضای موسیقی سریال، چه رویکردی را دنبال کردید؟
خانم پاکروان گفتند من دنبال موسیقی‌ای هستم که از سرخوشی شروع شود و به انتهای ناامیدی برسد. ما سعی کردیم این حس را حتی در تیتراژ هم پیاده کنیم.



کاروانی نمادین به یاد ورود یاران امام حسین (ع) به سرزمین نینوا با حضور جمعی از هنرمندان تهریزه در شهرستان مبارکه اصفهان برگزار شد. عکس: مرتضی صالحی، نسیم

هنرخوانی

خانه مریم معترف بر اثر موج انفجار آسیب دید

مهر: مریم معترف، از بازیگران سینما، تئاتر و تلویزیون نیز از جمله افرادی است که در پی حملات رزیم صهیونیستی مجبور به ترک منزل مسکونی خود شده است. معترف درباره حادثه رخ‌زده به خبرنگار مهر گفت: روز دوم جنگ بود که این اتفاق افتاد و موج انفجار شیشه‌ها و درهای خانه را تخریب کرد و وسایل آسیب دید. تخریب و آسیب به حدی بود که کوچه ما همچنان مخروبه است. او توضیح داد: «سقف خانه بابرجاست ولی امکان زندگی در منزل هنوز فراهم نیست. طی بررسی‌های انجام‌شده، بنای خانه آسیب ندیده ولی خانه نیاز به بازسازی دارد». معترف درباره اینکه طی روزهای گذشته در کجا ساکن شده است، گفت: «در شهر پردیس و در خانه اقوام زندگی می‌کنم، زیرا شرایط برای زندگی در منزل خودم وجود ندارد. این هنرمند باسابقه درباره اینکه آیا نهادهای دولتی از جمله وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پیگیر حادثه رخ‌زده و رسیدگی به شرایط حال حاضر زندگی او شده‌اند یا نه، تأکید کرد: تنها جایی که پیگیری کرد بنیاد مسکن بود که بررسی‌هایی را انجام داد. شخصا با آقای عباس عظیمی، مدیرعامل مؤسسه هنرمندان پیشکوست تماس گرفتم و به او اطلاع دادم که چه شرایطی به وجود آمده است اما از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یا نهادهای دیگر هیچ تماس یا پیگیری انجام نشده است.

بامداد بیات

سکته مغزی کرد

ایستنا: بابک صحرایی درباره مرگ زود هنگام بامداد بیات (آهنگ‌ساز) گفت: «طبق اعلام پزشکی قانونی، بامداد به علت سکته مغزی درگذشته است. بامداد چند ساعتی در منزل تنها بوده و در حالی که در حمام بود، دچار سکته مغزی شده و زمین خورده و این امر موجب خون‌ریزی مغزی او شده است. علت این سکته هم تصادف شدیدی است که بامداد ۲۰ سال پیش داشته است. در زمان تصادف سطح هوشیاری او چهار بوده است و دکترها قطع امید کرده بودند اما معجزه رخ داد و چون خیلی جوان بود، نیروی بدنی باعث شد که از کما خارج شود».

او ادامه داد: «با این حال باید گفت اثرات آن تصادف سنگین هیچ‌گاه بامداد را رها نکرد و همیشه داروهای زیاد و سنگینی مصرف می‌کرد. در سه هفته اخیر سرگیجه‌های مداوم و عدم تعادل پیدا کرده بود که مادر و خواهرش مدام او را دکتر می‌بردند و تحت نظر بود اما ضایعه‌های به‌جامانده از تصادف اخیرا بیشتر عیان شده بود و گاهی دچار تشنج هم می‌شد. اکنون پزشکی قانونی بررسی کامل انجام داده و نکته مشکوکی در مرگ او دخیل نبوده است».

صحرایی همچنین درباره مراسم تشییع بامداد بیات گفت: «مراسم خاک‌سپاری امروز ۱۱ تیر و ساعت ۱۱ در قطعه هنرمندان بهشت زهرا(س) انجام می‌شود و او را به آغوش پدرش می‌سپاریم و در کنار پدرش آرام می‌گیرد».



مهم است، ولی وقتی با ذائقه مردم همسو شود، اثر ماندگاری پیدا می‌کند. همیشه باید سعی کنیم کاری بسازیم که هم خودمان لذت ببریم و هم مردم. ❌ دوست دارید در ادامه روند آهنگ‌سازی چه تجربه‌ای داشته باشید؟ مثلا علاقه‌ای به ساخت ترانه برای خواننده‌ها دارید؟
من زیاد علاقه‌ای به ترانه ندارم. چون خانه ما از بچگی فقط موسیقی فیلم پخش می‌شد. این عادت در من مانده است. نمی‌خواهم حکم قطعی بدهم ولی سلیقه و ترجیح الان من این است که برای فیلم/سریال موسیقی بسازم، نه خواننده. اما وجود خواننده قطعا تأثیرگذاری خودش را دارد.
❌ با وجود تجربه در ژانر کم‌دی، چرا ترجیح می‌دهید در فضاهای اجتماعی و مولودرام کار کنید؟
ببینید کم‌دی خیلی سخت است. در فیلم صدام ژانرهای مختلف داشتیم؛ از فانتزی تا عربی و عاشقانه. ولی متأسفانه موسیقی‌اش زیاد شنیده نشد. در ژانر اجتماعی و عاشقانه کار بیشتر دیده می‌شود، خودم هم به این سبک علاقه بیشتری دارم. ولی همچنان دوست دارم فضاهای متفاوتی را تجربه کنم.

می‌کرد که سروش سعی کن موسیقی خلوت بسازی. می‌گفت موسیقی خلوت تأثیرگذارتر است و بیشتر شنیده می‌شود، من پس از سال‌ها کار به این‌ها رسیدم. مخصوصا توی فیلم و تلویزیون که زیر دیالوگ است، موسیقی وقتی شلوغ باشد، صداها گم می‌شوند و موسیقی -اصطلاحا- کثیف می‌شود.
❌ در پروسه ساخت موسیقی سریال که طولانی است، این رابطه بین آهنگ‌ساز و کارگردان چگونه شکل می‌گیرد؟
به نظر من شیوه این ارتباط، هنر کارگردان و آهنگ‌ساز است که بتوانند آن را شکل بدهند. به نظر من این شیوه با اعتماد و صمیمیت به دست می‌آید تا به زبان و لحن مشترک برسند. بالاخره آهنگی که ساخته می‌شود، از کامپیوتر خارج شود، بارها و بارها تغییر می‌کند. حتی وقتی من به جمع‌بندی می‌رسم، با خانم پاکروان و آقای اسدزاده مشورت می‌کنم که مسیر را درست رفته‌ام یا نه. این مسیر آهنگ‌سازی هم دشوار است و هم لذت‌بخش.
❌ به‌عنوان آهنگ‌ساز، چقدر به سلیقه مخاطب اهمیت می‌دهید؟
هنرمند باید برای اجتماعش کار کند. نظر شخصی